گونه‌شناسی استراتژی از نگاه قرآن

هاشم آقازاده[۱]، امیرسالار ونکی[۲]، مصباح سیوندیان[۳]

۱. دانشیار، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲. دانشجوی دکتری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۳. کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

آنچه امروزه در قالب استراتژی مبنای عمل در بسیاری از فعالیت‌های مدیریتی قرار می‌گیرد، ریشه‌ای غربی داشته و توسط متفکران غربی بسط و توسعه یافته است. این در حالی است که قرآن به‌عنوان کتاب راهنمای انسان دربردارنده مفاهیم بنیادین برای هدایت انسان می‌باشد. از همین رو، به‌منظور طراحی مسیر پیشرفت در جهت تحقق الگوی اسلامی پیشرفت، استراتژی اتخاذ شده باید متناسب با تعالیم و مفاهیم قرآنی باشد. بنابراین در این پژوهش تلاش داریم تا مفهوم استراتژی در قرآن را تبیین نماییم و آن را با مفهوم استراتژی در مدیریت انطباق دهیم. با توجه به اینکه استراتژی بطور کلی به‌عنوان راه و مسیر رسیدن به هدف تعریف می‌شود، در این پژوهش ابتدا مفاهیم مرتبط با راه و مسیر در قرآن را مشخص کرده و ویژگی‌ها و مشخصه‌های هرکدام را استخراج می‌نماییم. از میان مفاهیم استحراج شده، در این پژوهش بر صراط، سبیل و طریق تمرکز خواهیم داشت. در ادامه مفهوم استراتژی در مدیریت را تبیین نموده و با مفاهیم قرآنی تطبیق می‌دهیم. بر اساس نتایج بدست آمده، صراط متناظر با تدوین استراتژی بوده و با رویکرد بالا به پایین در استراتژی تطابق دارد. در مورد سبیل می‌توان گفت، با اینکه رویکردی از بالا به پایین دارد، اما مباحث مرتبط با پیاده‌سازی استراتژی را در بر می‌گیرد. در نهایت طریق همانند سبیل با پیاده‌سازی استراتژی تناظر دارد اما رویکردی پایین به بالا را اتخاذ نموده است.

مقدمه

استراتژی به عنوان هنر دستیابی به اهداف در مواجهه با موانع، مفهومی است که قرن ها به طور گسترده توسط محققان و متخصصان رشته های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. منشا آن را می توان در تمدن های باستانی جست وجو کرد که به عنوان اصول جنگ و مانور سیاسیِ به دقت طراحی شده، به کار می رفت. از استراتژی‌های نظامی سان تزو گرفته تا استراتژی های کسب و کاری شرکت‌های چندملیتی مدرن، استراتژی نقش مهمی در تلاش‌های بشر ایفا کرده است. با این حال، مفهوم سازی مدرن استراتژی در طول قرن بیستم پدیدار شد که عمدتاً تحت تأثیر متفکران غربی و استراتژیست های نظامی بود (مینتزبرگ، ۲۰۰۶). برنامه ریزی و پیاده سازی استراتژی جزء لاینفک موفقیت ملت ها، کسب و کارها، دولت ها و حتی فعالیت های فردی بوده است. در حالی که ادبیات مدیریت که بیشتر متکی بر متفکران غربی بوده است، بینش های ارزشمندی را در مورد استراتژی ارائه می نماید، مهم است که بدانیم قرآن، به عنوان کتاب مقدس الهی، دیدگاهی متمایز و عمیق در مورد این مفهوم چند وجهی ارائه می دهد. قرآن که بشریت را به سوی تعالی معنوی و دنیوی هدایت می کند، چارچوبی جامع برای عبور از چالش های زندگی و دستیابی به اهداف ملی، سازمانی و حتی فردی ارائه می دهد. قرآن بینش عمیقی در مورد مفهوم استراتژی ارائه می دهد و بر اهمیت آن در دستیابی به موفقیت در هر دو عرصه دنیوی و معنوی تأکید می کند. قرآن، در حالی که به صراحت از واژه « استراتژی» یا «راهبرد» استفاده نمی کند، آیات متعددی را ارائه می کند که راهنمایی هایی در مورد مفهوم راه یا مسیر و کاربرد آن ارائه می دهد. قرآن بر اهمیت برنامه ریزی و آمادگی تأکید می کند و به مؤمنان توصیه می کند که در امور مهم «با یکدیگر مشورت کنید» (شوری، ۳۸) و همچنین اشاره می کند که «خداوند نیز تدبیر خود را (برای حفظ او) بکار برد و خداوند بهترین تدبیر کننده است» (آل عمران، ۵۴). بنابراین با توجه به اینکه قرآن به عنوان کتاب راهنمای انسان از سوی خالق تدوین شده است و در برگیرنده تمام مفاهیم مورد نیاز بشر می باشد، لازم است دیدگاه های قرآن در مورد استراتژی را تبیین نماییم تا بتوانیم از آن در راهبری خود، سازمان ها، نهادها و ملت ها در راستای رسیدن به تعالی استفاده نماییم. به عنوان اولین قدم در رسیدن به این هدف، در این مقاله تلاش داریم مفاهیم مرتبط با استراتژی را از قرآن استخراج نموده و با مفاهیم موجود در ادبیات مدیریت انطباق دهیم. محققان در این پژوهش تلاش داشته اند بدون استفاده از احادیث بر متن قرآن به عنوان منبع وحی تکیه داشته باشند. اصطلاح «استراتژی» را می‌توان به فارسی «راهبرد» ترجمه کرد که در لغت به معنای «مسیر رسیدن هدف» است. این ارتباط بین استراتژی و راه یابی در قرآن منعکس شده است. قرآن از کلمات مختلفی استفاده می کند که معانی مشابهی با «مسیر» دارند. این واژه‌ها مانند «صراط»، «سبیل» و «طریق» دیدگاه‌های متفاوتی را درباره ماهیت استراتژی و نقش آن در تلاش‌های انسان ارائه می‌کنند. لذا به منظور درک ماهیت استراتژی در نگاه قرآن لازم است تا مفاهیم معادل راه یا مسیر که در قران به کار رفته شده اند را مورد بررسی قرار دهیم. از همین رو در این مقاله در بخش ۲، مفاهیم به کار رفته برای مسیر در قرآن را مورد بررسی قرار می دهیم. در بخش ۳ نگاهی خواهیم داشت به مفاهیم استراتژی در ادبیات مدیریت. در ادامه مفاهیم استخراج شده از قرآن را با مفاهیم مدیریت در بخش ۴ تطبیق می دهیم. در نهایت در بخش ۵ جمع بندی مطالب مطرح شده را ارائه می دهیم.

روش تحقیق

در قرآن کریم کلمات متفاوتی برای مسیر به کار رفته اند که هر یک معنای متفاوتی داشته و مشخصه های متفاوتی را در بر می گیرند. از جمله چنین کلماتی می توان به موارد زیر اشاره نمود: ۱. صراط، ۲. سبیل، ۳. طریق، ۴. منهاج، ۵. سلک، ۶. دین، ۷. تسبیح، ۸. شرع.
با توجه به تعدد کلمات مرتبط با مسیر، در این مقاله بر سه مورد از پرکاربردترین کلمات یعنی صراط، سبیل و طریق تمرکز خواهیم داشت.

صراط

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج۱/۴۱) اشاره دارد که این کلمه در لغت به معنای طریق و سبیل نزدیک بهمند و اما از نظر عرف و اصطلاح قرآن کریم، باید بدانیم که خدایتعالی صراط را وصف استقامت توصیف کرده و آنگاه بیان کرده که این صراط مستقیم را کسانی می پیمایند که خدا بر آنان انعام فرموده. و صراطی که چنین وصفی و چنین شانی دارد، مورد درخواست عبادت کار، قرار گرفته و نتیجه و غایت عبادت او واقع شده و بعبارت دیگر، بنده عبادت کار از خدایش درخواست می کند که عبادت خالصش در چنین صراطی قرار گیرد. راه بسوی خدا دو گونه است : دور و نزدیک. از کلام خدای تعالی بر می آید که مسیر نامبرده یکی نیست ، و همه راهها یک جور و دارای یک صفت نیستند، بلکه همه آنها از یک نظر به دو قسم تقسیم میشوند. پس معلوم میشود در مقابل صراط مستقیم راه دیگری هست. چون خداوند می فهماند بعضی غیر خدا را میخوانند، و غیر خدا را اجابت نموده ، بغیر او ایمان می آورند. راه نزدیک راه مؤمنین و راه دور راه غیر ایشان است و هر دو راه هم بحکم آیه (۶ سوره انشقاق) راه خدا است. در مجموع علامه طباطبایی در مورد صراط بیان می دارد: صراط مستقیم راهی است بسوی خدا، که هر راه دیگری که خلایق بسوی خدا دارند، شعبه ای از آنست ، و هر طریقی که آدمی را بسوی خدا رهنمائی می کند، بهره ای از صراط مستقیم را دارا است ، باین معنا که هر راهی و طریقه ای که فرض شود، بان مقدار آدمی را بسوی خدا و حق راهنمائی می کند، که خودش از صراط مستقیم دارا و متضمن باشد، اگر آن راه بمقدار اندکی از صراط مستقیم را دارا باشد، رهرو خود را کمتر بسوی خدا می کشاند، و اگر بیشتر داشته باشد، بیشتر می کشاند، و اما خود صراط مستقیم بدون هیچ قید و شرطی رهرو خود را بسوی خدا هدایت می کند، و می رساند، و بهمین جهت خدای تعالی نام آنرا صراط مستقیم نهاد، چون کلمه صراط بمعنای راه روشن است ، زیرا از ماده (ص ر ط) گرفته شده که بمعنای بلعیدن است ، و راه روشن کانه رهرو خود را بلعیده ، و در مجرای گلوی خویش فرو برده ، که دیگر نمی تواند این سو و آن سو منحرف شود، و نیز نمی گذارد که از شکمش بیرون شود. از جمع معانی آیات می فهمیم، صراط یک راه بیش نیست که یا پایانش خیر است و مستقیما به رضوان خدای می رسد و یا راه مستقیمی است که به سوی دوزخ راهبری می کند، راه مستقیم هم همان است که انحرافی و اعوجاجی یا کژی در آن نباش. برخلاف راه های انحرافی که فلسلفه جمع دانستن کلماتشان همان انحرافات و هوسهای شیطانی یا مادی است که گوناگون است. شیخ حسن مصطفوی در کتاب خود «التحقیق فی کلمات القران کریم»، برخی از ویژگی های صراط را بیان می دارد: صراط، طریقی است روشن و واسع، چه مادی و چه معنوی. صراط، اجرای برنامه بندگی با همه مراتب آن، یعنی به کار بردن آنچه اراده و خواست خداوند است برای مسیرهای زندگی خود، با گم شدن در آن، بریده شدن از اراده خود و اطاعت از فرمان او. و این پایان کمال انسان است.

سبیل

علامه طباطبایی در بیان تفاوت میان صراط و سبیل بیان می دارد: خدایتعالی در کلام مجیدش مکرر نام صراط و سبیل را برده ، و آنها را صراط و سبیل های خود خوانده ، با این تفاوت که بجز یک صراط مستقیم بخود نسبت نداده ، ولی سبیل های چندی را بخود نسبت داده ، پس معلوم می شود: میان خدا و بندگان چند سبیل و یک صراط مستقیم بر قرار است. سبیل غیر از صراط مستقیم است، چون سبیل متعدد است ، و باختلاف احوال رهروان راه عبادت مختلف میشود. بخلاف صراط مستقیم که یکی است که در مثل بزرگراهی است که همه راههای فرعی بدان منتهی میشود. هر یک از سبیل ها با مقداری نقص ، و یا حداقل با امتیازی جمع میشود، بخلاف صراط مستقیم که نه نقص در آن راه دارد و نه صراط مستقیم زید از صراط مستقیم عمرو امتیاز دارد، بلکه هر دو صراط مستقیم است. بخلاف سبیل ها، که هر یک مصداقی از صراط مستقیم است و لکن با امتیازی که بواسطه آن از سبیل های دیگر ممتاز میشود، و غیر او می گردد، اما صراط مستقیمی که در ضمن این است ، عین صراط مستقیمی است که در ضمن سبیل دیگر است و خلاصه صراط مستقیم با هر یک از سبیل ها متحد است .

طریق

الطَّرِیق به معنی راهی است که با پا پیموده و زده می شود (راغب اصفهانی،۲:۴۸۰). و از این معنا واژه طریق برای هر روشی که انسان در کاری خوب یا ناپسند در پیش می‌گیرد استعاره شده است. سبیل همان است که از یک نقطه امتداد می یابد و ادامه می یابد، طریقی آسان و طبیعی و طولانی است که به نقطه مورد نظر منتهی می شود، خواه مادی و معنوی. این بر خلاف طریق است که به معنای ضربه زدن و چکش زدن است که با تلاش و به صورت مصنوع و به دشواری به وجود می آید و حاصل می شود.

نتایج و بحث

با توجه مطالب بیان شده در مورد صراط، سبیل و طریق، در این بخش مشخصه های این سه کلمه را استخراج نموده و با یکدیگر مقایسه می نماییم.

ماهیت: از نظر ماهیت صراط و سبیل طبیعی بوده و طریق مصنوعی می باشد. در اینجا منظور از طبیعی این است که خالق با توجه به اشراف نسبت به مخلوق، مسیر تعالی آن را تدوین نموده و فرد با طی این مسیر به طور طبیعی به مقصود می رسد. این در حالی است که در طریق فرد از روی جهد و تلاش خود مسیری جدای از مسیر طبیعی تدوین شده توسط خالق برای خود ایجاد می کند و در آن گام برمی دارد، از همین رو این نوع مسیر مصنوعی شناخته می شود.
وضوح: از نظر وضوح مسیر، صراط از وضوح برخوردار است، در حالی که سبیل و طریق واضح نیستند. اما باید توجه که عدم وضوح سبیل و طریق با یکدیگر تفاوت دارند. در سبیل، امتداد مسیر برای فردی که آن را طی می کند مشخص نیست و تنها در صورتی ادامه مسیر برای او آشکار می شود که نقطه مقصود برسد. آنگاه امتداد مسیر تا نقطه مقصود بعدی برای او مشخص خواهد شد. این در حالی است که در طریق، با توجه به ماهیت آن که مصنوعی بوده توسط تلاش خود فرد ایجاد شده است، مسیر و مقصد آن غیرواضح می باشد.
وسعت: از نظر وسعت، صراط مسیری واسع بوده که دیگر مسیر ها را در برمی گیرد. این در حالی است که سبیل و طریق غیرواسع هستند و انواع مختلفی دارند. به عنوان مثال در قرآن چندین نوع سبیل ذکر شده است از جمله سبیل الرشد و سبیل الغی (اعراف، ۱۴۶)، سبیل المؤمنین (نساء، ۱۱۵) و سبیل المفسدین (اعراف، ۱۴۲).
سهولت: از نظر سهولت با توجه به طبیعی بودن صراط و سبیل سهل هستند، اما پیمودن طریق نیاز به جهد و تلاش دوچندان دارد، از همین رو غیرسهل می باشد.

استراتژی در مدیریت

در دنیای پویای مدیریت، حرکت به سمت اهداف بلندمدت نیازمند یک نقشه راه تعریف‌شده است. استراتژی نقشه راه فراگیری است که سازمان را با بهره گیری از منابع به سمت دستیابی به اهداف و وضعیت مطلوب آینده اش راهنمایی می کند. استراتژی در مدیریت شامل سه مرحله حیاتی است: **تدوین استراتژی:** این مرحله اولیه زمینه را برای اقدامات آینده فراهم می کند. تدوین استراتژی شامل تعیین چشم انداز و ماموریت، تنظیم اهداف، تحلیل موقعیت و توسعه استراتژی می شود (دیوید و همکاران، ۲۰۱۷؛ ویتینگتون و همکاران، ۲۰۲۳). **پیاده سازی استراتژی:** پس از تدوین استراتژی، زمان پیاده سازی آن فرا می رسد. این مرحله شامل تخصیص منابع، همسویی ساختاری، رهبری و ارتباطات و انگیزه و مشارکت می شود (تامپسون و همکاران، ۲۰۲۰). **کنترل و ارزشیابی:** پایش منظم پیشرفت و تطبیق استراتژی در صورت نیاز، برای موفقیت بسیار مهم است. این مرحله شامل سنجش عملکرد، ارزشیابی عملکرد، بازخورد و انطباق و بهبود مستمر می شود (دس و لامپکین، ۲۰۲۳). با پیمایش مؤثر این سه مرحله، سازمان ها می توانند هدف استراتژیک خود را به اقدامات تأثیرگذار ترجمه کنند و به وضعیت آینده مطلوب خود دست یابند. این چارچوب یک پایه جامع برای درک و اجرای استراتژی های موفق در زمینه های مختلف مدیریتی فراهم می کند. در حالی که سه مرحله تدوین، پیاده سازی و کنترل استراتژی یک چارچوب محکم برای مدیریت استراتژی فراهم می کند، رویکردهای تدوین و پیاده سازی استراتژی می توانند متفاوت باشد. دو دیدگاه غالب در این زمینه وجود دارند: **رویکرد بالا به پایین:** در این رویکرد، قدرت تصمیم‌گیری بر عهده بالاترین سطوح مدیریتی است. **رویکرد پایین به بالا:** این رویکرد قدرت تصمیم گیری را به خط مقدم سازمان نزدیک تر می کند.

تطبیق مفهوم استراتژی در قرآن و ادبیات مدیریت

در بخش ۲ برخی مفاهیم قرآنی مرتبط با استراتژی مورد بررسی قرار گرفتند. همچنین در بخش ۳ استراتژی از منظر ادبیات مدیریت مورد بررسی قرار گرفت و مراحل و انواع دیدگاه های استراتژی معرفی شدند. در این بخش قصد داریم با در نظر گرفتن مطالب مطرح شده در بخش های پیشین، نگاه قرآن از استراتژی را با ادبیات موجود تطبیق دهیم.
همان گونه که بیان شد صراط مسیری است که توسط خداوند برای انسان طراحی شده است و انسان با قرار گرفتن در آن به سهولت به مقصد می رسد. چنین رویکردی با رویکرد از بالا به پایین تطابق دارد که در آن مدیران ارشد سازمان استراتژی رسیدن به اهداف را تعیین می کنند و واحدها و افراد وظایف خود را به خوبی شناخته و با انجام درست این وظایف، در راستای تحقق استراتژی تدوین شده و اهداف سازمان گام بر می دارند. همچنین سبیل نیز با رویکرد از بالا به پایین به استراتژی مطابقت دارد، چرا که خداوند سبیل های متعددی را پیش روی انسان قرار داده است و پیامدهای هر یک از او را مشخص نموده است. بنابراین انسان می تواند با توجه به پیامدهای مشخص شده یک سبیل را مشخص نموده و برای قرار گیری در آن تلاش نماید. برخلاف صراط و سبیل که رویکردی از بالا به پایین به استراتژی داشتند، طریق با رویکرد از پایین به بالا به استراتژی تطابق دارد. از آن جا که در طریق انسان با جهد و تلاش مسیری را به سوی مقصد مورد نظر خود ایجاد می کند، می توان گفت این رویکرد با رویکرد از پایین به بالا تطابق بیشتری دارد. همانگونه که یکی از چالش های رویکرد پایین به بالا به استراتژی، عدم همسویی مشارکت های فردی کارکنان با اهداف کلی سازمان است، در طریق نیز تضمینی وجود ندارد که فرد از طریق مسیری که خود ایجاد کرده است به هدف موردنظرش دست یابد. از سوی دیگر با توجه به اینکه صراط یک مسیر واحد و جامع می باشد و انواع سبیل ها و طریق ها را در بر می گیرد، می توان گفت که جنسی از نوع جهت گیری دارد. بدین معنا که جهت گیری کلی فرد در راستای رسیدن به هدف معین را تعیین می کند. از همین رو با تدوین استراتژی که در آن مدیریت ارشد سازمان، هدف و جهت گیری سازمان را تعیین می نماید، تطابق دارد. این در حالی است که سبیل بیشتر با پیاده سازی استراتژی تطابق دارد. همان گونه که بیان شد سبیل دارای مرتبه می باشد و هر کس که یک سبیل را طی کند به مرتبه بالاتری دست می یابد. همچنین رسیدن به نقطه مقصوده در سبیل منوط به این است که فرد ویژگی های رفتاری مورد نظر را در خود پرورش دهد و به محض اینکه چنین ویژگی هایی محقق شد به مرتبه بالاتر صعود می کند. بنابراین می توان اینگونه بیان کرد که سبیل در بر گیرنده عناصر ساختاری و رفتاری برای پیاده سازی استراتژی و جهت گیری تعیین شده (صراط) می باشد. به همین ترتیب برای طریق نیز می توان چنین مطلبی را بیان نمود اما باید توجه داشت که رویکرد غالب در طریق از بالا به پایین می باشد و از همین رو همسویی عناصر ساختاری و رفتاری با استراتژی تدوین شده را نمی توان تضمین نمود.

پیشنهادها

با تامل در سه مفهوم صراط، سبیل و طریق در قرآن، در میابیم که انواع مختلفی از مسیرها برای رسیدن به هدف وجود دارد. در مرتبه اول صراط قرار دارد که مسیری واسع و جامع است که در بر گیرنده دیگر مسیرها می باشد. هر کس که در این مسیر قرار می گیرد با سهولت به سمت مقصد حرکت می کند و در آن ثابت قدم می ماند. در مرتبه بعدی سبیل قرار دارد که برخلاف صراط که واحد و جامع است، متعدد بوده و متناسب با ظرفیت و ویژگی های فرد بوده و هر فرد متناسب با ظرفیت خود آن را می پیماید. نکته دیگر در مورد سبیل این است که به یک نقطه مشخص رهنمون می شود. همچنین امتداد دارد به این معنی که فرد هنگامی که به یک نقطه در سبیل رسید، ادامه راه برای او مشخص می شود و باید در ادامه در جهت رسیدن به نقطه بعدی در مسیر رسیدن به کمال گام بردارد. علاوه بر این اشاره شد که هر دو مسیرهای صراط و سبیل سهل و طبیعی هستند و از پیش برای فرد مشخص شده اند و فرد می تواند انتخاب کند که در کدام سبیل گام بردارد. این در حالی است که طریق از این حیث متفاوت است. طریق مصنوع خود انسان می باشد. به این معنی که فرد برای رسیدن به مقصد، صراط و سبیلی که برای او مشخص شده را انتخاب نمی کند و ترجیح می دهد یک طریق برای خود ایجاد کند. با توجه به اینکه این طریق مصنوع می باشد، پیمودن آن با دشواری همراه می باشد و فرد صرفا آن را می پیماید و مشخص نیست که به نقطه مقصودی خواهد رسید یا خیر.
با تطبیق مفاهیم استحراج شده از قرآن با مفاهیم مدیریت، می توان اینگونه بیان نمود که صراط با تدوین استراتژی تناظر دارد و رویکردی بالا به پایین دارد. سبیل با پیاده سازی استراتژی تناظر داشته و رویکردی بالا به پایین به راهبرد دارد. این در حالی است که طریق با بهره گیری از یک رویکرد پایین به بالا با پیاده سازی استراتژی تطابق دارد.
بر این اساس می توان از درس آموخته های این مفاهیم در زمینه مدیریت و طراحی استراتژی استفاده نمود. مصداق چنین سلسله مراتبی برای مسیر های رسیدن به مقصد و هدف را می توان اینگونه بیان نمود که در سطح سازمان یا نهاد، لازم است یک مسیر واحد توسط مقامات ارشد به صورت از بالا به پایین تدوین شود که دارای جامعیت بالایی باشد و تمام مسیرها و راه های فرعی را در بر بگیرد. علاوه بر این برای هر کدام از بخش ها یا عناصر باید متناسب با ظرفیت آن یک مسیر تعالی در نظر گرفته شود که دارای امتداد باشد و در میانه راه، رهشمارهایی وجود داشته باشد که به عنوان مقصد در هر بازه زمانی در نظر گرفته می شود. بنابراین پیشرفت هر عنصر متناسب با تحقق رهشمارهای موجود در مسیر تعالی آن مورد ارزیابی قرار می گیرد. همچنین با پیمودن مسیر و رسیدن به هر کدام از ره شمارها، هدف جدیدی برای آن متجلی می شود که باید در راستای تحقق آن تلاش نماید. علاوه بر دو مورد ذکر شده همچنین می توان فضا را برای ایجاد مسیرهایی توسط خود عناصر ایجاد نمود تا خودشان مسیر رسیدن به مقصد را طراحی نمایند. اما ذکر این نکته مهم می باشد که چنین مسیرهای مصنوعی که به صورت پایین به بالا و توسط خود عناصر طراحی می شوند، ضمانت محقق نمودن هدف را ندارند و ممکن است به سرانجام مورد نظر نرسند. بنابراین لازم است چنین مسیرهایی پایش شوند و در صورت لزوم اصلاح شوند.

منابع

ابن درید، محمد بن حسن .۱۹۸۷–۱۹۸۸ .جمهرة اللغة . ۳ج .بیروت -لبنان :دار العلم للملایین.
ابن منظور، محمد بن مکرم .بدون تاریخ .لسان العرب . ۱۵ج .بیروت -لبنان :دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
ابن‌ملقن، عمر بن علی، و مجذوف، سمیر طه .۱۴۰۸–۱۹۸۷ .تفسیر غریب القرآن (ابن ملقن) ۱ج .بیروت -لبنان :عالم الکتب.
آصفی، محمدمهدی .۱۴۳۳–۲۰۱۱ .الصراط . ۱ج .نجف اشرف عراق :مجمع جهانی اهل بیت (ع)
خسروی حسینی، غلامرضا، و راغب اصفهانی، حسین بن محمد .۱۳۷۴ .ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن . ۳ج .تهران، ایران :مرتضوی.
طباطبایی، محمد حسین، و موسوی، محمد باقر .۱۳۷۸ .تفسیر المیزان (ترجمه) ۲۰ج .جامعه مدرسین حوزه علمیه قم .دفتر انتشارات اسلامی
مجمع اللغه العربیه (۱۳۶۳). معجم الفاظ القرآن الکریم .طهران :انتشارات ناصر خسرو .
مصطفوی، حسن. (۱۳۶۶). التحقیق فی کلمات القرآن، ج۶، ص۲۲۸ .
David, F. R., & David, F. R. (2017). Strategic management: concepts and cases: A competitive advantage approach. Pearson.
Dess, G. G., & Lumpkin, G. T. (2023). Strategic management: Creating competitive advantage (15th ed.). McGraw-Hill Education
Doh, J. P., Teece, H., & Kim, I. (2023). Top-down leadership: Friend or foe in a crisis? California Management Review, 65(2), 85-108
Hamel, G., & Prahalad, C. K. (1994). Competing for the future: Competing through capabilities, innovation and strategic renewal. Harper Business Essentials.
Khuntia, A. N., & Mishra, D. P. (2022). How does leadership style impact strategic implementation? International Journal of Business and Management, 17(3), 459-474
Mintzberg, H. (2006). The rise and fall of strategic planning. Free Press.